



سریال «بوم و بانو» که به مسائل اجتماعی دوران پهلوی اول می‌پرداخت، همکاری کرده بودم. آن تجربه موفق و حرفه‌ای باعث شد در این همکاری دوم نیز راحت و با اعتماد بازی کنم.

**آیا «مریم بانو» را با توجه به خصلت‌های مثبت و خوب می‌توان نمونه یک زن ایرانی خانواده دوست بدانیم؟**  
من اینجوری نگاهش نکردم. در وهله اول مریم بانو یک انسان است که در این شرایطی که با آن درگیر شده امتحان پس می‌دهد. زن ایرانی در تمام شئون زندگی‌اش چه بیرون و چه داخل خانه موفق است.

**آیا مرگ شوهرش، مریم بانو را در معرض یک امتحان جدی قرار می‌دهد؟**

منظورم مواجهه او با کلیت زندگی است. این زن به همراه شوهرش سالها در شهرستان زندگی می‌کرده و در دوران جوانی با آقا شامیز ازدواج کرده و بتدریج پخته و کامل شده است و زندگی‌شان را سر و شکل می‌دهند و بعد از آمدن به تهران و زندگی در این کلان شهر دنیا دیده و کامل‌تر می‌شود و آگاهی و شناختش ارتقا پیدا می‌کند.

**آیا ریشه آرامش درونی مریم مرتبط است با شخصیت و ذات درونی‌اش؟**

به هر حال بخشی از خصوصیات هر آدمی ذاتی است و در درونش نهادینه شده است و بخشی دیگر از اخلاقش در ارتباط با شوهر فرهیخته، فهمیده و آگاهش تکوین پیدا کرده است. اگر مریم بانو با مرد دیگری زندگی می‌کرد معلوم نبود چنین شخصیتی پیدا می‌کرد. البته این تاثیر دو جانبه است و آقا شامیز از مریم بانو هم تاثیراتی گرفته است. در مقطعی آقا شامیز مسیر زندگی‌اش را رها کرده بود و این مریم بانو بود که او را به ریل زندگی بازگرداند. به نظر من مریم بانو زن تاثیرگذاری است.

**شما خودتان جزو بازیگران با سابقه تئاتر هستیید همکاری با بازیگر با تجربه‌ای مثل اسماعیل محرابی که یک گراند تئاتری دارد دارای چه ویژگی‌هایی است؟**

همیشه در بازیگری نقش بازیگر مقابل خیلی مهم و جدی است و اینکه چقدر بتوانند بده و بستان‌های بازیگری را در کنار هم مورد استفاده قرار بدهند. اسماعیل محرابی بازیگر با سابقه، حرفه‌ای و توانایی است و در پشت صحنه همیشه در باره نقش‌ها گفت‌وگو داشتیم تا بهترین کیفیت بازیگری را ارائه کنیم. پشتوانه تئاتری مشترک در ایجاد یک گفت‌وگو درست کاری، خیلی بین ما موثر بود و خوب حرف همدیگر را می‌فهمیدیم.

**بازی با کدام پانته‌هایی که تجربه همکاری داشته‌اید برایتان جذابیت بیشتری دارد؟**

همه بازیگران نقش‌های مقابلم خوب بوده‌اند. یک تجربه خوب همکاری با پرویز پورحسینی داشتم و از میان جوان‌ترها هم با علی دهکردی تجربه موثری داشتم. تلاش می‌کنم همیشه به سراغ راه‌هایی بروم که هم خودم و هم بازیگر رو به رویم به آرامش برسیم.

**این روزها مشغول به چه کارهایی هستیید؟**  
چند سالی است که به دلیل بیماری همسرم ساکن مهر شهر کرج هستیم و خودم هم درگیر بیماری و معالجه هستم.

و تفاهم شکل بگیرد، نتیجه کار بی‌تردید اجرایی موفق و جذاب خواهد بود.

**چه ویژگی‌هایی باعث شده گروه تئاتری کوچ بعد از سه دهه همچنان به کارش ادامه بدهد؟**

مهم‌ترین عامل، مدیریت حرفه‌ای و تعامل درست منیژه محامدی با تمام عوامل است. او کارش را می‌شناسد و نگاه خاصی به ماهیت نمایش و اجرا دارد، متن‌های ماندگار و درجه‌یکی را برای اجرا انتخاب می‌کند و به بازیگرانش احترام می‌گذارد؛ هیچ چیز را به آن‌ها دیکته نمی‌کند و دستشان را برای خلاقیت باز می‌گذارد. به همین دلیل، در این سه دهه گروه تئاتری کوچ بدون حاشیه و مشکل به فعالیت خود ادامه داده است.

هسته مرکزی گروه، به جز منیژه محامدی، محمد اسکندری است. ارزش و منزلت پیشکسوتان به خوبی رعایت می‌شود و مدیریت درست باعث شده هیچ تنش‌ی در گروه شکل نگیرد. ورود بازیگران جوان نیز گروه را ریکاوری و تقویت کرده است؛ بازیگرانی چون محمد نادری، سام کیبوند و فرناز رهنما که به تدریج در این گروه به بازیگران با تجربه و توانمند تبدیل شدند.

**آیا منیژه محامدی نقش‌ها را برای بازیگران گروه آماده می‌کند یا در روند تمرین‌ها نقش‌ها تعیین می‌شوند؟**

در انتخاب نمایش و نقش‌ها، بازیگران معمولاً مشارکت دارند و نظر می‌دهند. منیژه محامدی معمولاً متن‌هایی را انتخاب می‌کند که امکان حضور و مشارکت فعال بازیگران گروه را فراهم کند. برای مثال، در نمایش «حادثه در ویشی» از بازیگران مهمان مانند هومن کیایی نیز استفاده شد.

**یکی از همکاری‌های موفق شما با محامدی نمایش «حادثه در ویشی» است...**

یک بار در اوایل دهه پنجاه، این نمایش با بازی محمود دولت‌آبادی و سعید سلطان پور روی صحنه رفت. متن نمایش «حادثه در ویشی» از آرتور میلر است و نوشته‌های میلر جهان شمول بوده و تاریخ مصرف ندارند. آثار میلر دارای زیرمتن‌های مفهومی بسیاری هستند و او در کارهایش نگاه انسان‌گرایانه و جامعه‌شناسانه به محیط و فضای اثر دارد و خود را به جغرافیای خاصی محدود نمی‌کند. در گروه تئاتری ما، رویکرد ویژه‌ای نسبت به آثار میلر وجود دارد. در زمان تحصیل در دانشگاه، اغلب نمایش‌نامه‌های میلر را مطالعه کرده بودم و «حادثه در ویشی» را در دهه پنجاه بارها در دانشگاه اجرا و تمرین کرده بودیم. برخورد منیژه محامدی با متن‌های میلر، مدرن و خلاقانه است.

**بر اساس چه ویژگی‌های بازی در سریال «یاور» را پذیرفتید؟**

مجموعه‌ای از عوامل باعث شد من بازی در سریال «یاور» را بپذیرم. سعید سلطانی نام و برندی معتبر در سریال‌سازی دارد و من مطمئن هستم که تحت هدایت او در کار ضعیف و بی‌کیفیت بازی نمی‌کنم. ایشان کاربلد، اخلاق‌مدار و مهربان هستند. از پیشنهاد کاری ایشان خوشحال شدم و پس از گفت‌وگوهای اولیه، فیلمنامه را مطالعه کردم و ارزش‌های آن را در پرداخت به آداب و سنن، و زندگی فردی و اجتماعی خانواده‌های ایرانی درک کردم. پیش از این، با سعید سلطانی در

فیلم نامه‌نویس چون جنوبی بود اطلاعات خوبی درباره لهجه جنوبی به من ارائه کرد و توانستم به درستی از لهجه در خدمت ایفای نقش استفاده کنم.

**آیا خاطره‌ای از بازی در این سریال دارید؟**

زمان فیلم‌برداری در سال ۱۳۶۶ بود و همان طور که اشاره کردم، بخش عمده‌ای از کار در اقامتگاه آوارگان جنگ انجام می‌شد. در اوقات فراغت، پای صحبت‌های زنان خاموش و مقاومی می‌نشستم که از رنج‌ها و سختی‌های دوران آغاز جنگ و آوارگی می‌گفتند. واکنش مردم در زمان پخش سریال بسیار مثبت بود. هنوز هم بسیاری از جوانانی که دوران کودکی‌شان را در اواخر دهه شصت گذرانده‌اند، وقتی مرا می‌بینند با شوق و ذوق می‌گویند «هر روز بعد از مدرسه این سریال را می‌دیدیم!» اینکه پس از سی سال همچنان مرا به خاطر آن نقش می‌شناسند، برایم مایه افتخار و غرور است؛ چون با کاری خوب و مردمی در یادها مانده‌ام.

**در سال‌های بعد شما نقش زنان جنوبی را در فیلم‌هایی چون «زینت» و «به خاطر هانی» بازی کردید...**

نکته‌ای که در سینمای ایران وجود دارد این است که وقتی بازیگری در نقشی موفق می‌شود، مدام پیشنهاد نقش‌های مشابه به او داده می‌شود. اصالت‌م آذری است، اهل ارومیه‌ام، در کردستان به دنیا آمده‌ام و در تهران بزرگ شدم. همیشه این نکته برایم مهم بوده که اگر من ترک‌زبان توانستم نقش زنان جنوبی را باورپذیر بازی کنم، پس کارگردان‌ها هم باید جسارت داشته باشند و سایر نقش‌ها را نیز به من بسپارند. نقش‌های زن جنوبی که بازی کردم، حاصل همکاری با کارگردانان با تجربه و فیلم‌نامه‌های دقیق و منطقی بود. در مقطعی هم پیشنهادهای زیادی برای بازی در چنین نقش‌هایی داشتم که بسیاری‌شان را نپذیرفتم.

**در «مش خیرالله» هم تصویر ملموسی از زن ایرانی دهه سی ارائه کردید...**

معتقد هستم بازیگر باید هر نوع نقشی را تجربه کند و همین تجربه‌ها برایم جذابیت دارد. در آن سریال با آقای علی نصیریان هم‌بازی بودم و نقش زنی را بازی می‌کردم که مدام در جالش و مشاجره با همسرش است. در سریال «این خانه دور است» نیز توانستم نقش متفاوتی را تجربه کنم. این سریال را زنده‌یاد مسعود رسام و بیژن بیرنگ کارگردانی کردند؛ اثری ارزشمند که به جایگاه سالمندان در جامعه می‌پرداخت. حضور در این مجموعه برایم اهمیت زیادی داشت، چون در آن دوران تلاش می‌کردم خودم را در قالب نقش‌های مشابه و تکراری محدود نکنم و به دنبال تنوع و تجربه‌های تازه در بازیگری باشم.

**شما با منیژه محامدی در گروه تئاتری کوچ همکاری طولانی‌مدتی داشتید. از این همکاری بگویید؟**

خانم منیژه محامدی را از گذشته می‌شناختم. در دهه هفتاد برای بازی در تله‌تئاتر «خانه عروسک» از من دعوت به همکاری کردند و این همکاری تا امروز ادامه دارد. به باور من، اجرای نمایش باید در قالب یک گروه منسجم تعریف شود؛ گروهی که اعضایش پس از مدتی همکاری، زبان مشترکی پیدا می‌کنند و به شناخت درستی از توانایی‌های یکدیگر می‌رسند. اگر گروه حرفه‌ای باشد و روابط میان اعضا بر پایه احترام

نمایش را بر تئاتر ایران مشاهده می‌کنید.

**به کدام از نمایش‌هایی که در کارگاه نمایش ایفا کردید علاقه بیشتری دارید؟**

نمایش «ناکهان هذا...» نوشته متفاوت و خوب عباس نعلبندیان به علت حضور تاثیرگذار بیژن مفید و تاثیراتی که برای من بازیگر جوان خیلی مهم است.

**آیا پیشنهاد بازی از سایر گروه‌های فعال تئاتری نظیر اداره تئاتر داشتید؟**

برنامه‌های کارگاه نمایش به صورت پیوسته بود و تمام طول سال مشغول بودیم و امکانی برای همکاری با سایر کارگردان‌های تئاتری را نداشتیم.

**بعد از انقلاب هم حضور موثری در سینما و تلویزیون داشتید...**

اولین کارم بعد از انقلاب در کانون پرورش فکری با برادرم کوروش بود که یک کار آموزشی محسوب می‌شد. بعدش هم با هم دانشگاهیم منوچهر عسگری نسب قرار بود در فیلم «آن سوی مه» همکاری کنم که شرایطش فراهم نشد و در سال ۶۶ در سریال «خانه در انتظار» این همکاری شکل گرفت.

**سریال «خانه در انتظار» در دهه شصت یک کار اجتماعی موثر بود...**

سریال «خانه در انتظار» جزو کارهای خوب، اثر گذار و ماندگار تلویزیون در دهه شصت بود و کار با دقت و وسواس خاصی ساخته شد. متن خوب و کارگردانی پخته منوچهر عسگری نسب باعث موفقیت سریال شد و نسخه‌ای از این سریال به عنوان فیلم سینمایی تهیه شد و در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و من کاندیدای دریافت سیمرغ شدم.

**در این سریال نقش یک مادر مهربان و صبور ایرانی را به شایستگی ایفا کردید؟**

این زن به مفهوم کامل یک مادر بود. در کنار مادر بودن یک همسر نمونه هم محسوب می‌شد که در بحبویه جنگ و شرایط سخت خانواده را مدیریت می‌کرد. این زن بعد از این که همسرش را از دست داد جای پدر را هم به درستی در خانواده و برای بچه‌ها پر کرد.

**آیا قبل از بازی در سریال «خانه در انتظار» شناخت از لهجه جنوبی داشتید؟**

نه، با راهنمایی کارگردان و تحقیقاتی که درباره لهجه جنوبی انجام دادم نقش را ایفا کردم. اصغر عبداللهی